

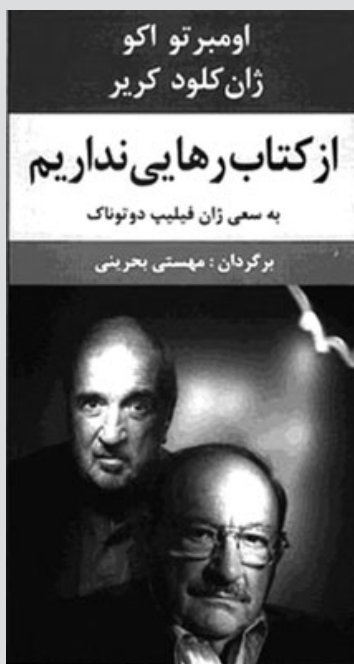
جان سخت تر از آکروپولیس

نگاهی به کتاب «از کتاب رهایی نداریم»، به کوشش

ژان فیلیپ دوتوناک، ترجمه: مهستی بحرینی



نویسنده: حمید نامجو



«از کتاب رهایی نداریم» کتابی است درباره «کتاب» و البته درباره این پرسش که آیا پیشرفت تکنولوژی و نفوذ گسترده کامپیوتر در زندگی مردم سبب حذف تدریجی کتاب خواهد شد؟ و اینکه سرنوشت کتاب در آینده چگونه رقم خواهد خورد.

اندیشیدن به این پرسش‌ها و پرسش‌هایی که در پی پاسخ به آن سوال پایه‌ای در پی خواهد آمد، سبب به وجود آمدن این کتاب شده است. در واقع فیلیپ دوتوناک این پرسش‌ها را با دو تن از هنرمندان و اندیشمندان پر آوازه یعنی «امبرتو اکو» و «ژان کلود کریبر» در میان گذاشته است و حاصل آن یک گفتگوی شیرین و خواندنی از کار درآمده است.

امبرتواکو محقق، زبان‌شناس، متخصص زبان و فرهنگ قرون وسطی و در عین حال رمان نویس و روزنامه نگار ایتالیایی و عاشق کتاب که صدها اثر تحقیقی و تالیفی و ادبی دارد، یک طرف این گفتگوست و طرف دوم ژان کلود کربیر فیلمنامه نویس، کارگردان تاتر و جستار نویس فرانسوی که ما با فیلم «سیرانودو برژاک» با نام او آشنا هستیم، اطلاعاتی بی نظیر از تاریخ و فرهنگ سراسر جهان از جمله ایران دارد، در این گفتگو، تجربه‌ها و نگاهشان به کتاب را به بحث می‌گذارند و خود ژان فیلیپ دوتوناک که پرسشها را مطرح می‌کند گاه در این گفتگو یا بهتر است بگویم اقتراح شرکت می‌کند.

پرسش اصلی همان است که به آن اشاره شد: فن‌آوری مدرن هر روز بیش از پیش در زندگی ما رسوخ می‌کند. از حدود ۴۰ سال قبل که نوار ویدئو به بازار آمد تا امروز که DVD هم به عنوان پرطرفدارترین ابزار حفظ و انتقال دیتا کم کم دارد جایش را به فلش‌های کوچک اما با ظرفیت چند برابر می‌دهد، این روند کوچک شدن حجم حافظه‌ها و تولید امکانات مدرن، سهولت دستیابی به اطلاعات را سرعت بخشیده است. اکنون که مردم بخش مهمی از اطلاعات مورد نیازشان را از اینترنت و از طریق کامپیوترهای پرتابل، انواع تبلت‌ها و تلفن‌های موبایل به دست می‌آورند، آیا کتابها به تدریج به حاشیه رانده شده و سپس مضمحل خواهند شد؟ آیا ضرورت‌هایی وجود دارد که کتاب کماکان به هستی خود ادامه دهد؟ آیا کتابخانه‌های بزرگ از زندگی ما حذف شده و جایشان را به فلش‌های کوچک خواهند داد و دیگر کتابی منتشر نخواهد شد؟

پاسخ‌های این نظاره‌گران تیز بین تاریخ به این پرسش‌ها بسیار جالب و خواندنی است.

در فصل اول کتاب با عنوان «کتاب نخواهد مرد» اشاره‌ای به نشر کتاب و تاریخ چاپ دارد و گفته می‌شود که همچنان که برخی اختراعات نظیر چکش، چرخ و قاشق در طول قرون تغییری نکرده‌اند و کسانی که قاشق متفاوت یا چرخ متفاوتی اختراع کرده‌اند چندان موفق نبوده، کتاب نیز به حیات خود ادامه خواهد داد. از طرف دیگر محدودیت‌هایی که کامپیوتر و e-book و ابزارهایی نظیر این دارند در مورد کتاب صادق نیست. لذت و لو شدن بر کف اتاق یا تکیه زدن بر صندلی پارک و مطالعه کردن با لب تاپها و تبلت‌ها قابل مقایسه نیست. کتاب را می‌توان به ساحل دریا یا به بالای کوه برد و حتی بالای یک درخت خواند اما بسیاری از این وسایل، این قابلیت‌ها را ندارند. کتاب را می‌توان در زیر نور شمع یا در جایی وسط بیابان یا یک جزیره بدون برق به همراه برد در حالیکه باقی آن تجهیزات وابسته به نیروی برق هستند.

در فصل دوم با عنوان «هیچ چیز ناپایدارتر از وسایل ماندگار نیست» نگاهی دارد به سرنوشت اولین فلاپی دیسکت‌ها و بعد CD و بعد DVD که نسل به نسل از بین رفتند و جای خود را به نسل بعدی دادند. در دهه ۱۹۹۰ تعدادی از سخنرانی‌های «آیزنبرلین» ضبط شده بر روی لوله‌های دیکتافون که از اولین وسایل ضبط صدا بود در کتابخانه دانشگاه کمبریج یافت شد اما دستگاهی که بتوان با آن این سخنرانی‌ها را شنید یا پیاده سازی کرد، در انگلستان پیدا نشد. در حالیکه امروز دست نوشته‌های افلاطون و یا کتاب‌های باقی مانده از قرون وسطی هنوز در کتابخانه‌ها و موزه‌ها

قابل خواندن است. کتابها از محکم‌ترین و عظیم‌ترین بناهای معماری ماندگارترند. فن آوری هر روز امکانات جدیدی را عرضه خواهد کرد که چندان ماندگار نخواهد بود اما کتاب‌ها سر جای خودشان خواهند ماند.

در بخش چهارم با عنوان «نام همه شرکت کنندگان در نبرد واترلو» بحث درباره اهمیت کتاب است. کلودکریبر که ظاهراً همسری ایرانی دارد و بسیار به فرهنگ ایران علاقه مند است، مثالی می‌زند از یک دانشمند معروف ایرانی به نام «ابن ندیم» که در بغداد زندگی می‌کرده. ابن‌ندیم در واقع صحاف و خوشنویس بوده. او تمام کتاب‌هایی که برای صحافی نزدش می‌بردند را می‌خوانده و نام آنان و خلاصه‌ای از آنها را در کتاب «الفرست» که اثر بسیار معتبر و مشهوری است جمع آوری کرده است تا امروز دریچه‌ای باشد به بغداد و دنیای آن روزگار به عنوان مرکز علم و دانش و همچنین دغدغه‌های فکری و تعلقات ذهنی دانشمندانش. در واقع گشودن کتابها مثل کنار زدن پرده‌ای است که در پشت آن چشم اندازی از قرون گذشته هویداست. کتابها همان ماشین زمان هستند که می‌توانند ما را از امروز به گذشته ببرند و این امکان را بدهند که لذت زیستن در دو جهان را به طور همزمان تجربه کنیم. بسیاری از دانش امروزی بشر متکی به کتابهایی است که در قرون گذشته نوشته شده است. بدون این کتابها ما نه شکل و قیافه و رفتار سقراط را می‌شناختیم نه بناها و مجسمه‌ها و تابلوهایی که در دوران باستان بوده، اما امروز نشانی از آنها نیست.

علاوه بر آن خود شکل کتاب، جلد آن، صحافی و صفحه‌بندی و ابعاد آن، بوی کاغذ و احياناً تصویرها و نقوش آن، انگار نشانه‌های ثانوی هستند که ما را به روزگار و زمانه نویسنده آن می‌برند و کتابی که در حافظه کامپیوتر ذخیره شده، فاقد چنین نشانه‌هایی است.

در فصول بعدی کتاب بحث‌های متنوع دیگری در می‌گیرد. از جمله تفاوت بین اطلاعات و دانش و همچنین تمایز بین دانش و شناخت. در طول این گفتگوها از لذت خواندن کتاب، از تاثیری که گذشتگان بر هم عصران خود و یا بر نسل‌های آینده داشتند، از تفاوت مدیوم‌هایی مثل سینما با کتاب، از احساس تعلق مشترک یا احساس قرابتی که بین خواننده‌های یک کتاب به وجود می‌آید، از اهمیت کتابخانه‌ها در پایداری یک فرهنگ و یک دوره تاریخی و از اهمیت زبان، گفتگو و بحث می‌شود. و این همه دریچه‌های دیگری از دنیای غریب و زیبای کتاب‌ها بر روی ما می‌گشایند. همچنین در بخش‌هایی از این کتاب بحث شیرینی درباره کتاب‌های خوانده نشده در کتابخانه شخصی ما و همچنین سرنوشت کتابخانه‌ای که در طول عمرمان گردآوری کرده‌ایم طرح می‌شود و هر یک از این دو نفر نگره‌های خود را در این باره مطرح می‌کنند.

«از کتاب رهایی نداریم» بسیار خواندنی و دلنشین است و در هر فصلی از آن، ما از اطلاعات پهناور و عمیق کلودکریبر شگفت زده شده و از طنز شیرین امبرتو اکو از ته دل می‌خندیم. این کتاب توسط خانم مهستی بحرینی از فرانسه به فارسی برگردانده و توسط انتشارات نیلوفر منتشر شده است.